

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در زبان و ادبیات

سال سوم، شماره‌ی پنجم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

صفحات ۴۳ - ۷۰

بازتاب قرآن کریم در اشعار دلریش ماهیدشتی

علی سلیمی^۱

مسلم خزلی^۲

چکیده

عبدالله مرادی، متخلص به دلریش ماهیدشتی یکی از شاعران معروف و خوش‌قریحه‌گرد کرمانشاهی معاصر است که تمام دیوان شعر وی به زبان‌گردی است. دلریش از شاعران متدینی است که قرآن کریم در اشعارش جایگاه ویژه دارد. در این نوشتار به تحلیل اشعار و وجوه‌اثرپذیری وی از قرآن پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های پژوهش دلریش آیاتی را از قرآن اقتباس نموده است که به دو شیوه انجام گرفته است، در برخی از ابیات کل‌آیه اقتباس شده و در برخی دیگر یا بخش اعظم آیه و یا بخش کوچکی از آن اقتباس شده است. همچنین وی با آوردن برخی از واژگان قرآنی در قالب بیت خود به آیه یا آیاتی از قرآن تلمیح و اشاره کرده است. در برخی موارد نیز بدون استفاده از واژگان قرآنی به زبان شعری (گردی) با بیت یا ابیاتی به آیاتی از قرآن تلمیح و اشاره کرده است. در اشعار وی نام ۱۴ پیامبر الهی و شخصیت قرآنی آمده است و شاعر به سرگذشت و شیوه‌ی زندگی آن‌ها که در قرآن آمده اشاره کرده است.

کلید واژه‌ها: دلریش ماهیدشتی، شعر‌گردی معاصر، قرآن کریم، اقتباس، تلمیح، شخصیت‌های قرآنی.

۱- استاد دانشگاه رازی کرمانشاه :

salim1390@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه رازی کرمانشاه (نویسنده مسئول): moslem_khezeli@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۳۰

۱. مقدمه

قرآن کتاب آسمانی است که در طول تاریخ مورد توجه همه‌ی طالبان راه حقیقت قرار گرفته و منبع الهام بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است. موسیقی کلمات و جملات قرآن همواره مورد توجه محققان بوده و از نظر ترتیل، تغنی، هم‌خوانی و خوشخوانی بی‌نظیر است و با وجود تأثیر عمیق آن در شعر و ادب عربی و فارسی، شعر محسوب نمی‌شود (خرمشاهی، ۱۳۷۶: ۸).

اقتباس از آیات قرآن به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد که از جمله آن‌ها: اقتباس بدون استفاده از لفظ آیه، استفاده از یک کلمه‌ی قرآنی یا بخشی از یک آیه، به کار بردن اصطلاحات قرآنی به جای استفاده از واژگان زبان اصلی (شاعر)، آوردن یک آیه‌ی کامل و همچنین اشاره و تلمیح به زندگی و داستان‌های پیامبران است. شاعران و ادیبان گرد زبان نیز پس از ورود اسلام به ایران و دیگر مناطق گردنشین تحت تأثیر کلام الهی قرار گرفتند و در نظم و نثر آن‌ها دگرگونی ژرف و عظیمی پدیدار شد. شاعران گرد بزرگی همچون علی حریر (۴۰۰-۴۷۰ش) ملای باته‌ای (۱۴۱۷-۱۴۹۱م) ملای جزیری (۱۵۶۶-۱۶۴۴م) احمد خانی (۱۶۵۱-۱۷۰۷م) نالی (۱۷۹۷-۱۸۵۵م) مولوی گرد، شیرکو بیگس، سیدیعقوب ماهیدشتی، شامی کرمانشاهی، غلامرضاخان ارکوازی، ولی محمد امیدی و... نیز در طول تاریخ از سوره‌ها و آیات قرآن تأثیر فراوانی پذیرفته و از معانی و مضمون‌ها و تصاویر و زیبایی‌هایی بلاغی آن الهام گرفته و شعر خویش را غنی ساختند. بنابراین، اثرپذیری شاعران از قرآن امری بدیهی و طبیعی است، این اثرپذیری به شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است و میزان اقتباس هر شاعر از آیات و مضمون‌های قرآنی نسبت به شاعر دیگر متفاوت است و هر یک به روشی گوناگون از قرآن تأثیر پذیرفته‌اند.

۱-۱. فرضیه

در این جستار نیز ما با کاوش در دیوان شعر دلریش ماهیدشتی که لبریز از آیات قرآنی است به اثرپذیری این شاعر دین‌مدار از قرآن می‌پردازیم و وجوه و شیوه‌های اثرپذیری ایشان از قرآن کریم را مورد نقد و تحلیل قرار می‌دهیم. یافته و فرضیه‌ی اساسی این پژوهش در این است که دلریش ماهیدشتی در اشعار خویش از آیات قرآن اقتباس نموده که به شیوه‌های گوناگون انجام گرفته است و در بخشی از اشعارش نیز به زندگی

پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی و داستان‌های مربوط به آن‌ها تلمیح و اشاره کرده است.

۱-۲. پرسش تحقیق

پرسش اصلی مقاله این است که اثرپذیری دلریش ماهیدشتی از قرآن چگونه است؟ و به چه شیوه‌ای در شعر او بازتاب یافته است؟ کیفیت و کمیت این اثرپذیری چگونه است؟

۱-۳. پیشینه و روش تحقیق

در مورد اثرپذیری شعرا از قرآن در ادبیات فارسی مقالات و کتبی چند انجام گرفته است از جمله کتاب «تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات فارسی» تألیف علی‌اصغر حلبی به چاپ رسیده است، ولی در زبان و ادبیات کُردی پژوهش مستقلی در باب اثرپذیری شاعران کُرد از قرآن صورت نگرفته است. در مورد دلریش ماهیدشتی نیز تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته و این نخستین پژوهش در مورد شعر اوست.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

عبدالله مرادی، متخلص به دلریش ماهیدشتی متولد (۱۳۲۸) در روستای تنگ شیان از توابع اسلام‌آباد غرب چشم به جهان گشود. پدر و اجداد ایشان در ماهیدشت زندگی می‌کردند، ولی گردش روزگار باعث شد که در اسلام‌آباد زندگی کند. وی در خانواده‌ای پرورش یافت که همه با شعر و ادب آشنا بوده‌اند. شاعر ابتدا در محضر پدرش جهانبخش مرادی که شخصی ادب‌دوست بود شعر را شروع نمود و در سن ۲۱ سالگی در اداره‌ی ریشه‌کنی مالاریا به عنوان کارمند غیررسمی مشغول شد و در مدت چهار سال با تمام آداب و رسوم مردم کرمانشاه و کردستان آشنا گردید و با توجه به علاقه‌ای که داشت بر دو زبان عربی و انگلیسی تسلط یافت و پس از چهار سال در اداره کل پست استان کرمانشاه استخدام گردید و به خاطر علاقه‌ای که به زادگاه آبا و اجدادی خود داشت محل خدمت خود را در ماهیدشت انتخاب نمود (ماهیدشتی، ۹: ۱۱۳۷۸).

دیوان شعر دلریش تماماً به زبان کُردی است که این باعث تمایز و اعتبار ویژه‌ی شعر وی در میان هم‌نوعان خود شده است. گویشی که شاعر با شعر سروده کُردی جنوبی

است که بیشتر اشعارش به گویش کُردی کرمانشاهی و گویش کلهری هستند. دیوان شعر وی دربرگیرنده‌ی ۱۱۵ قصیده و مثنوی است که در این میان غزل و مضمون‌های غنایی بیشترین سهم را داراست. از دیگر موضوعاتی که در شعر وی بازتاب بیشتری دارد سه مناجات‌نامه‌ای است که در آن به ستایش پروردگار متعال و سرگذشت و سیره‌ی پیامبران الهی و ائمه اطهار پرداخته است و در قالب مثنوی سروده است رک (همان: ۱۳۳-۱۴۶).

یکی دیگر از موضوعات شعری پربسامد ایشان مدح و مرثیه‌ی رجال سیاسی و مذهبی است که در این میان سه قصیده و مثنوی در سوگ ارتحال امام خمینی(ره) سروده است که مشحون از آیات قرآن کریم و سرگذشت پیامبران الهی است رک (همان: ۱۸۱-۱۸۲ و ۱۸۶-۱۹۳). در پایان دیوان نیز چیستان‌های کُردی و گفتگوها و نامه‌های شاعر با دیگر شاعران کُرد همچون اسد چراغی، هوشنگ صحرایی خزلی، محمدحسین خسروی و... آمده است. با دقت در دیوان شاعر متوجه می‌شویم که او از زبان عربی آگاهی کامل و وافیه دارد و این موضوع در به کارگیری واژگان و اصطلاحات و کلمات ترکیبی عربی همچون ابروی احمری، صعب‌العلاج، عطر عبیر و... در ساختار شعرش نمود بیشتری می‌یابد، ولی با وجود زبان شعری وی بسیار ساده و بی‌تکلف است و واژگان اصیل کُردی در آن هویدا است. مهم‌ترین موضوعی که در سراسر دیوان او بازتاب بیشتری دارد، اندیشه‌های اسلامی و آیات و روایات قرآن است که نشان از تربیت دینی و اعتقاد راسخ او به پروردگار و مبانی و اصول شریعت اسلام دارد. وی در سراسر دیوانش به مفاهیم والای قرآنی و اعتقادات دینی توجه خاصی داشته است و از آنها تأثیر پذیرفته و اخذ و اقتباس کرده است. این اقتباس به چند گونه صورت گرفته است؛ در برخی ابیات کل آیه و گاهی نیز بخش اعظم آیه و یا بخش کوچکی از آن اقتباس شده است و شاعر منظور و غرض خود را با آن توضیح داده و شعرش را غنا بخشیده است. همچنین وی در برخی از ابیات با آوردن یک واژه یا اصطلاح قرآنی به یک یا چند آیه و داستان‌ها و روایات آن‌ها تلمیح و اشاره کرده است. گاهی نیز بدون آوردن آیه یا واژگان قرآنی کاملاً با زبان کُردی به آیات قرآنی یا سرگذشت پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی اشاره و تلمیح کرده است که در واقع ترجمه‌ی آیات قرآنی به زبان شعری (کُردی) هستند.

تأثیرپذیری دیگر شاعر از قرآن آوردن نام پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی است که در چهارده مورد نمود می‌یابد که گاهی با آوردن بخشی از آیات قرآن به سرگذشت و روایات مربوط به آن‌ها اشاره می‌کند یا این که بدون آوردن واژگان قرآنی به آن‌ها اشاره می‌کند. در این جا نخست موارد اقتباس شاعر را از آیات قرآن و شیوه‌های آن نشان می‌دهیم و سپس تلمیحاتی که به آیات قرآن در شعرش آمده را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان چگونگی بازتاب شخصیت‌های قرآنی را در اشعارش بیان می‌کنیم.

۲-۱. اقتباس از آیات قرآن

اقتباس، از ریشه «قبس» به معنای پاره آتش است. در فن بدیع عبارت است از آوردن آیه‌ای از قرآن یا حدیثی از رسول اکرم (ص) یا امامان معصومان (ع) یا بیت معروفی که به قصد سرقت و انتقال نه، بلکه به قصد اقتباس باشد (قزوینی، ۱۹۸۵۲: ۲۳۴-۲۳۶) و (حلی، ۶۸: ۱۳۷۹) و (راشد محصل، ۱۹: ۱۳۸۰) و (جارم و امین، ۴۳۱: ۴۱۳). در این بخش به ابیاتی اشاره می‌کنیم که شاعر در آن‌ها آیه یا آیاتی را اقتباس نموده و در شعرش به کار برده است:

۲-۱-۱. لا اکره فی الدین

دلریش، در این بیت به کسانی که در دین دچار گمراهی شده‌اند، تذکر می‌دهد که در پذیرش دین هیچ گونه اجباری نیست. وی در این بیت آیه‌ی ۲۵۶ سوره‌ی بقره را اقتباس نموده است که خداوند انسان را در پذیرش دین مختار می‌داند:

پس مه‌نای چه‌سه «لا اکره فی الدین» له ره‌حم خالق قه‌طه‌ن ناگاه نین

(ماهیدشتی، ۱۶: ۱۳۷۸)

ترجمه: پس معنای لا اکره فی الدین چیست؟ بی‌گمان از رحمت خداوند آگاه نیستند.
 لا اکره فی الدین قد تبین الرشد من الغی (البقرة: ۲۵۶): کار دین به اجبار نیست، تحقیقاً راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده است.^۱

۲-۱-۲. ویل لكل همزة لمزة

شاعر به کسانی که بدزبان هستند و از دیگران عیب‌جویی می‌کنند هشدار می‌دهد که در آخرت تاوان کار خود را خواهند داد. او در این بیت به آیه‌ی ۱ سوره‌ی همزه را اقتباس نموده است:

زوانت لال بوود روژت بوود وه له یل ئه‌وسا که‌فیده یاده سوره ویل

(ماهیدشتی، ۱۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: زبانت لال و روزت همچون شب سیاه و تاریک می‌شود. آن هنگام که به یاد سوره ویل لکل همزة لمزة می‌افتی. ۱-زوان: زبان. ۲-ئه‌وسا: آن هنگام. ۳-که‌فید: می‌افتی.

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (الهمزة: ۱): وای بر هر عیب‌جوی هرزه‌زبان و طعنه‌زننده.

۲-۱-۳. لا تقنطوا من رحمة الله^۲

دلریش ماهیدشتی چنین می‌گوید: انسان هیچ‌گاه نباید امیدش را از دست بدهد، بلکه باید به رحمت الهی امید داشته باشد. وی در این بیت آیه‌ی ۵۳ سوره زمر را اقتباس کرده است:

لا تقنطوا^۳ من رحمت الله نائمید نییم له ده‌رگاد الله

(ماهیدشتی، ۸۲: ۱۳۸۷)

ترجمه: از رحمت خدا ناامید نشوید. پروردگارا، من از درگاه تو ناامید نیستم.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ (الزمر: ۵۳): (ای رسول رحمت) بدان بندگانم که (به عصیان) اسراف بر نفس خود کردند بگو: هرگز از رحمت خدا ناامید مباشید.

۲-۱-۴. قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا

وی با مهارتی تمام حتی در معانی تغزلی خود از قرآن تأثیر پذیرفته و آتش شوق معشوقه‌اش را به آتشی که نمرود برای حضرت ابراهیم بر افروخته بود، تشبیه کرده است. بنابراین، در این بیت آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی انبیاء را اقتباس کرده است:

«قل یا نار کون برداً» به‌رد بووی شوله نار دل مه‌یلد سه‌رد بووی^۴

(ماهیدشتی، ۸۶: ۱۳۷۸)

ترجمه: ای آتش خاموش و سرد شو، بعد از این آتش فرو نشست و آتش دل و اشتیاق تو هم رو به سردی و خاموشی نهاد.

شاعر در این جا به وضعیت مردمانی که در زمان جنگ تحمیلی دچار حمله‌ی شیمیایی دشمن شده‌اند اشاره دارد و آتش جنگ تحمیلی را آتش نمرود می‌داند و می‌گوید: این مردمان بی‌دفاع به چه کسی جز خدا پناه ببرند، همان کاری که حضرت ابراهیم به هنگام افتادن در آتش کرد:

«قل یا نار کون برداً» له کووهن چوی خلیل په‌ناه وه کام کهس بووهن

(ماهیدشتی، ۲۴۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: خداوند کجاست تا همان‌طور که به آتش ابراهیم فرمان داد تا بر وی سرد و بی‌گزند باشد، به این آتش (بمب شیمیایی) هم همان فرمان را بدهد. این مردمان بی‌پناه همچون حضرت ابراهیم، به چه کسی جز پروردگار پناه ببرند؟

قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ اِبْرَاهِيْمَ (انبیاء: ۶۹): ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش.

۲-۱-۵. جاء الحق و ذهق الباطل

دلریش، در این بیت به مدح ممدوح خویش (امام خمینی (ره)) می‌پردازد و ورود ایشان به میهن را زمینه‌ساز برپایی حق و نابودی باطل می‌داند و به آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی اسراء اشاره می‌کند و عبارت جاء الحق و ذهق الباطل را اقتباس و در شعرش به کار می‌برد:

فهراری دیو بهد سه‌یر و «جاء الحق و جاء الحق

ذهق الباطل ذهق الباطل» بچو ئی خه‌سم بیگانه

(ماهیدشتی، ۱۱۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: دیو بد ذات و شوم (شاه) فرار کرد حق آمد و حق آمد. باطل نابود شد، پس تو ای (شاه) دشمن اجنبی برو. بچو: برو.

وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَّقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (الاسراء: ۸۱): به (امت) بگو دین حق آمد و باطل نابود شد، که باطل خود لایق محو و نابودی ابدی است.

۲-۱-۶. تجری من تحتها الأنهار

شاعر، عبارت جنات تجری من تحتها الأنهار در آیات ۸۹ سوره ی توبه و ۹ سوره ی یونس را اقتباس کرده و به بخشش نعمت‌های الهی در بهشت اشاره نموده است:

فی عینی تجری تحت الانهار جواو نامهی هدهد نرام بار^۶

(ماهیدشتی، ۱۶۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: در چشمانم همان جاری است که در پای درختان جاری است، پاسخ نامه هدهد را برایم بیاور.

در مصرع نخست کلمات پس و پیش شده که ترجمه آن را با مشکل مواجه می‌سازد که احتمالاً یا به علت چاپ نادرست یا اشتباه ناشر این تغییر به وجود آمده است، ولی با این وجود نشان می‌دهد که شاعر با این سوره آشنایی دارد.

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (التوبه: ۸۹): خدا برای آنها باغ‌هایی که در زیر درختانش نهرها جاری است مهیا فرموده که در آن تا ابد متنعم باشند و این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ (یونس: ۹): آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پروردگارشان به سبب همان ایمان آنها را به راه سعادت رهبری کند تا به نعمت‌های ابدی بهشتی که نهرها از زیر درختانش جاری است، متنعم گردند.

۲-۱-۷. لاتکتّموا

در این بیت دلریش به تلاش فراوان سازمان جهاد سازندگی در دوره ی جنگ تحمیلی و پس از آن اشاره می‌کند و از دیگران می‌خواهد که واقعیت را پوشیده ندارند و حقیقت امر و کوشش خالصانه ی جهادگران را به همه بگویند. وی به آیه ی ۲۸۲ سوره ی بقره اشاره کرده و عبارت لاتکتّموا را در شعرش به کار برده است:

«و لاتکتّموا» قُلْ وَه كَه لَمَه ی حَق جه هاد ئیران ته مام دا ره ونق

(ماهیدشتی، ۱۷۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: هیچ چیز را از (خدا) پنهان نکنید یا سخن راست و حق بگویید که جهاد و تلاش سراسر ایران را آباد و پر رونق کرده است.

وَ لَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (البقرة: ۲۸۲). و کتمان شهادت ننمایید که هر کس کتمان کند، البته به دل گناهکار است و خدا از همه کار شما آگاه است.

۲-۱-۸. هل جزاء احسان الا احسان

وی بر این باور است که انسان مکافات عمل خویش را می‌بیند. بنابراین، هر کس کار نیکی کند پاداش نیک آن را خواهد گرفت. شاعر در این بیت آیه‌ی ۶۰ سوره‌ی الرحمن را اقتباس کرده است:

«هل جزای احسان الا احسان» پهنای گنم خودای سباحن

(ماهیدشتی، ۱۴۳: ۱۳۷۸)

ترجمه: آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟ همانا پناه من از گناه خداوند سبحان است.

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (الرحمن: ۶۰): آیا پاداش نیکویی جز نکویی است.

۲-۱-۹. اقيموا الوزن

شاعر در این جا ارادت و علاقه‌ی خود را نسبت به قرآن مجید ابراز می‌دارد و به قداست سوره‌ی الرحمن سوگند یاد می‌کند و آن را اقتباس می‌کند و عبارت اقيموا الوزن را در شعرش به کار می‌برد:

«وه اقيموا الوزن» سوره‌ی الرحمن وه موسی کلیم لفظ خالق زان

(ماهیدشتی، ۱۳۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: سوگند به اقيموا الوزن سوره‌ی الرحمن و سوگند به موسای کلیم که سخنان پروردگار (وحی) را می‌فهمد و درک می‌کند.

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (الرحمن: ۹): و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان (عدل و احکام شرع من) نافرمانی نکنید.

۲-۱-۱۰. اقرا باسم ربك

وی معتقد است که آیات قرآن از اوّل تا آخر دارای نظم و قاعده‌ی خاص خود هستند. وی در این‌جا عبارت إقرأ باسم ربك مربوط به سوره‌ی علق را اقتباس کرده است:

وه «اقرا باسمه» تا وه مائده آیات مجید کل وه قائده

(ماهیدشتی، ۱۳۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: از سوره (علق) «اقرا به اسم ربك» تا سوره‌ی مائده آیات قرآن مجید همه با نظم و قاعده است.

اقراً باسمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (علق: ۱): بخوان به نام پروردگارت که خدای آفریننده‌ی عالم است.

۲-۱-۱۱. اذا جاء نصر الله و الفتح

شاعر پروردگار را امیدبخش هر کسی می‌داند و با اشاره به آیه‌ی ۱ سوره‌ی النصر می‌گوید: که تنها خداست که امید رسیدن به هدفش را تحقق می‌بخشد و عبارت إذا جاء نصر الله فتح قریب را اقتباس و در شعرش به کار برده است:

وه سوره‌ی «اذا جاء نصرالله» فتح قه‌ریب که‌ری پهری عبدالله

(ماهیدشتی، ۱۴۱: ۱۳۷۸)

ترجمه: سوگند به سوره‌ی نصر که گشایشی همچون فتح قریب برای عبدالله [شاعر] بیاورد. ۱-پهری: برای.

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (النصر: ۱): چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد.

۲-۱-۱۲. الق عصاک لاتخف

در این بیت شاعر به ستایش ممدوح خود (امام خمینی(ره)) می‌پردازد و به داستان مبارزه‌ی حضرت موسی با ساحران فرعون و تبدیل شدن عصای وی به مار بزرگ اشاره می‌کند و عبارت (الق عصاک لاتخف) را از آیه ۱۱۷ سوره‌ی اعراف اقتباس کرده است:

بی‌باک وه «الق عصاک لاتخف»^۷ دُرّ بی پایان تاج «من عرف»

(ماهیدشتی، ۱۸۷: ۱۳۷۸)

ترجمه: همچون موسی بدون ترس عصایت را بینداز، تو ای مروارید بی‌پایان تاج خودشناسی و خداشناسی هستی.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (الأعراف: ۱۱۷): و ما به موسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن (چون عصا انداخت) ناگاه معجزه‌ی او هر چه ساحران بافته بودند یک‌باره همه را بلعید.

۲-۱-۱۳. قادر علی کل شیء

دلریش، خدای متعال را بر انجام هر کاری توانا می‌داند و خواهان کمک و یاری پروردگار است. وی عبارت قادر علی کل شیء را از آیه‌ی ۲۸۴ سوره‌ی بقره اقتباس نموده است: «قادر کل شیء» شافع کله دهرد برهس وه هانای عبد به‌رده البرد

(ماهیدشتی، ۱۴۶: ۱۳۷۸)

ترجمه: ای پروردگار متعال که بر انجام هر کاری توانایی و التیام‌دهنده و درمان‌کننده‌ی هر دردی هستی به داد این بنده‌ات برس که آماج مصیبت‌هاست. ۱- هانا: آه و حسرت. ۲- به‌رد: هم به معنایی سنگ، و هم به معنای مصیبت و بلا. وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (البقرة: ۲۸۴): و خدا بر هر چیزی تواناست.

۲-۲. تلمیح به آیات قرآن

تلمیح، گوشه‌ی چشم اشاره کردن است و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند و عین آن را نیاورد (تفتازانی، ۴۷۵: ۱۴۰۹) و (جرجانی، ۲۹۰: ۱۹۳۸) و (هاشمی، ۴۱۴: ۱۳۷۶). شاعر در برخی از ابیات خود بخشی از یک آیه را می‌آورد و به مضمون آن آیه و داستان‌ها و روایات آن تلمیح و اشاره می‌کند:

۲-۲-۱. ریح صرصر

شاعر گذر سریع عمر و سرگشتگی خود را همچون تندبادی می‌داند که می‌آید و همه چیز را با خود می‌برد. عبارت ریح صرصر در این بیت تلمیحی به آیات ۱۹ سوره‌ی قمر و ۶ الحاقه است:

مهس بوویم نه‌زانم کام شاه بوین که‌ی جهان وینه‌ی باد صرصر بوین وه ری

(ماهیدشتی، ۸۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: مست شدم و نفهمیدم که کدام پادشاه «کی» (لقب پادشاهان) بود، دنیا مانند باد صرصر شد و به راه افتاد. (بیون وه ری: به راه افتاد، روانه شد).
 إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (القمر: ۱۹): ما بر هلاک آن‌ها
 تندبادی در روز نحسی پایدار فرستادیم.
 وَأَمَّا غَادًا فَأَهْلِكُوهَا فَاصْرَصِرَ غَاتِيَّةٍ (الحاقة: ۶): قوم عاد نیز به بادی تند و سرکش به
 هلاکت رسیدند.

۲-۲-۲. عسر یسری

عبارت عسر یسری تلمیحی به آیات ۷ سوره‌ی طلاق و ۵ و ۶ سوره‌ی الشرح است. شاعر بر این باور است که پس از هر سختی آسانی به وجود می‌آید و همیشه گشایشی در کار انسان پیش می‌آید:

به‌ده ههر «عسری، یسری» په‌یدا بوو له نشق خالق دلریش په‌یدا بوو
 (ماهیدشتی، ۱۴۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: بعد از هر سختی آسانی پدیدار می‌شود، دلریش از عشق خداوند شیدا می‌شود.
 په‌یدا بوو: پیدا می‌شود.

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (الطلاق: ۷): خدا هیچ‌کس را
 جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند و خدا به زودی بعد از هر سختی آسانی
 قرار خواهد دهد.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۵) إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶) (الشرح): پس بدان (به لطف خدا) با هر
 سختی البته آسانی هست.

۲-۲-۳. ید بیضاء

دلریش، در اشعار خویش بسیار به سیره و روش زندگی حضرت موسی و حوادثی که برای ایشان اتفاق افتاده اشاره و در مواردی زیادی از عبارت قرآنی «ید بیضاء» استفاده کرده است. در این بیت نیز این عبارت به آیات ۱۰۸ سوره‌ی اعراف و سوره‌ی نمل تلمیح دارد:

چوی «ید بیضا» ضد جادو بوو دهس چهپ به‌سه‌ی سات رادو بوو

(ماهیدشتی، ۶۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: دستش (معشوق) همچون ید بیضا باطل‌کننده‌ی سحر و جادوی جادوگران بود و بر دست چپش ساعت رادو (نوعی ساعت) بسته بود.
 وَ نَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاطِرِينَ (الأعراف: ۱۰۸): و دست از گریبان خود برآورد که ناگاه برای بینندگان سپید و درخشان جلوه کرد.

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ قَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (النمل: ۱۲): و دست در گریبان خود ببر نه از مرض (برص، بلکه از نظر لطف خدا) سپید و روشن (چون ماه تابان) گردد، آنگاه با نه معجزه الهی به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو.

۲-۲-۴. لن ترانی

حضرت موسی از زبان قومش درخواست دیدن پروردگار را کرد، زیرا جمعی از جاهلان بنی اسرائیل اصرار داشتند که باید خداوند را ببیند تا ایمان آورند. بنابراین، از جانب خدا مأموریت یافت این تقاضا را مطرح کند تا همگان پاسخ کافی بشنوند (بغوی، ۱۴۲۰: ۲/۴۵۰). شاعر در این بیت از حالتی که بر حضرت موسی به هنگام دیدن نور الهی عارض شده است، الهام می‌گیرد و سرگشتگی و شوریدگی خود را همچون حالتی می‌داند که برای حضرت موسی به هنگام دیدن تجلی نور حق تعالی روی داد. این بیت به آیه‌ی ۱۴۳ سوره‌ی اعراف تلمیح دارد. شاعر عبارت «لن ترانی» را در شعرش به کار برده است: موسی کوویه طورم له وادیه ته‌منا مه جروح «لن ترانی» چون ویم هزار دیرم (ماهیدشتی، ۹۹: ۱۳۷۸)

ترجمه: همچون موسی در وادی تمنا و کوه طورم که به پاسخ لن ترانی مجروح گشته‌ام هزاران نفر دیگر همچون خویش مجروح دارم.
 وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَن نَرَاكَ وَلَكِن نُنظِرُ
 إِلَىٰ الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ
 صَعِقًا (الأعراف: ۱۴۳): و چون (قوم تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب شده بودند) وقت معین به وعده‌گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، موسی (به تقاضای جاهلانه قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خداوند در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید و

لیکن به کوه بنگر، اگر کوه طور (بدان صلابت، هنگام تجلی) به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید. پس آنگاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد کوه را متلاشی ساخت و موسی بی‌هوش افتاد.

۲-۲-۵. همراهی و حمایت هارون از موسی (ع)

این بیت شاعر به آیات ۲۹ تا ۳۲ سوره‌ی طه تلمیح دارد و به انتخاب شدن هارون به عنوان پشتیبان و همکار حضرت موسی از سوی خدا اشاره دارد:

موسی وه هارون که‌ردی وه شه‌ریک لهو موجزاته فرعون مه‌ن خه‌ریک

(ماهیدشتی، ۱۴۴: ۱۳۷۸)

ترجمه: پروردگارا، هارون را شریک و همراه موسی در امر هدایت کردی و فرعون با آن معجزات پریشان شد. خه‌ریک: سرگشته.

وَأَجْعَلُ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي (۲۹) هَارُونَ أَخِي (۳۰) اَشْدُدْ بِهِ أَزْرِي (۳۱) وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي (۳۲) (طه): و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. برادرم هارون را (وزیر من گردان). پشت مرا به او محکم کن. و او را در امر (رسالت) با من شریک ساز.

۲-۲-۶. نظم جهان آفرینش

دلریش، در این بیت به قدرت خداوند در نظم جهان اشاره می‌کند و می‌گوید: کوه‌ها مایه‌ی قوام و استحکام زمین هستند. این بیت تلمیح به آیه‌ی ۶۱ سوره‌ی نمل است:

وه نه‌مرد مه‌که‌ن به‌حران جه‌زر و مه‌د کوه‌ان ثابتن وه ده‌ستوره خوه‌د

(ماهیدشتی، ۱۴۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: (پروردگارا) به دستور تو دریاها جزر و مد را انجام می‌دهند و کوه‌ها ثابت می‌مانند.

أَمْ مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بَلٌ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (النمل: ۶۱): یا آن کس که زمین را آرامگاه (شما) قرار داد و در آن نهرهای آب جاری و در آن کوه‌ها برافراشت و میان دو دریا (به قطعه‌ای از زمین) حایل گردانید (یا دو دریای شور و شیرین را بی‌فاصله، منع از اختلاط آب آن‌ها کرد).

۲-۳. بازتاب شخصیت‌های قرآنی

یکی دیگر از وجوه تأثیرپذیری دلریش از قرآن، توجه وی به پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی و سیره‌ی زندگی و حوادثی است که برای آن‌ها اتفاق افتاده است. شاعر در این بخش یا اسم شخصیت قرآنی را می‌آورد و اتفاقات مربوط به آن را در شعر خویش شرح می‌دهد و یا با آوردن واژه و یا کلمات ترکیبی قرآنی و غیرقرآنی به این شخصیت‌ها اشاره کرده و به توضیح شیوه‌ی زندگی آن‌ها می‌پردازد و در واقع آیات قرآنی را که به داستان این شخصیت‌ها اشاره داشته است، بیان می‌کند که ما در این‌جا در برخی موارد آن آیات را آورده و با ابیات شاعر مقایسه کرده‌ایم و وجوه تأثیرپذیری و تلمیح شاعر به این آیات را نشان می‌دهیم. این شخصیت‌های قرآنی عبارتند از:

۲-۳-۱. آدم

آدم در قرآن و کتاب مقدس، نخستین بشری است که خدا آفرید (مصاحب، ۱۳۴۵: ذیل آدم). آنگاه که آدم و حوا از دستور خدا سرپیچی کردند، خدا نعمت خویش را از آنان گرفت و بهشت را بر آنان تحریم کرد. در سوره‌ی اعراف به داستان آدم و حوا اشاره شده است (جاد الموالی و همکاران، ۳۵: ۱۳۸۶).

دلریش، به آدم و حوا در این بیت اشاره کرده است:

قه‌سه‌م وه به‌ه‌ه‌یشت وه جنت الماوا وه ابوالبه‌شهر وه ننه حه‌وا

(ماهیدشتی، ۱۳۵: ۱۳۷۸)

ترجمه: سوگند به بهشت، و آدم و ننه حوا.

۲-۳-۲. حضرت نوح

اولین پیغمبر اولوالعزم است که حدود ۱۰۰۰ سال عمر کرده است و ۹۵۰ سال در میان قوم خود به تبلیغ و ارشاد مردم پرداخته است. نام نوح ۴۳ بار در قرآن آمده است (نیشابوری، ۱۳۸۵: ۷۳-۷۹). وی به اذن خدا شروع به ساختن کشتی نمود و در آن از هر حیوانی یک جفت به آن پناه داد. کشتی نوح مثلی برای نجات و رستگاری است، همان‌طور که پیامبر اهل بیت خویش را سفینه‌ی نوح می‌خواند. *إِنَّ عِثْرَتِي كَسَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَ فِيهَا نَجَا وَ مَنْ تَأَخَّرَ عَنْهَا هَلَكَ* (ثعالبی، ۳۹: ۱۹۶۵).

دلریش، در این بیت ممدوح خویش (امام خمینی(ه)) را کشتی نجات امت و رهبر هدایت‌گر آن‌ها می‌داند:

که‌یشتی ری نه‌جات نوح زهمانه نازکیش فه‌قی‌ر دوس و بیگانه

(ماهیدشتی، ۱۸۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: کشتی راه نجات و نوح زمانه است و فقیرنواز است چه دوست و چه بیگانه. وی به سرگذشت و پیشینه‌ی زندگی حضرت نوح و داستان کشتی او در دریا اشاره می‌کند:

یا نوح له توفان ئه‌مواج یه‌م بوی درستن هه‌ر کام ئه‌ولای ئایه‌م بوی

(همان: ۱۴۰)

ترجمه: سرگذشت پیامبران متفاوت است، نوح در امواج دریا بود، درست است که آن‌ها (پیامبران) همه فرزند آدم هستند.

این ابیات اشاره به داستان حضرت نوح دارد که در آیات ۲۶ و ۲۷ سوره‌ی مؤمنون و آیات ۱۱۸ و ۱۱۹ سوره‌ی شعراء آمده است:

وَقَالَ رَبُّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي (۲۶) فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوْحَيْنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ (۲۷) (المؤمنون): نوح عرض کرد: خدایا، تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند یاری فرما. ما هم به او وحی کردیم در حضور ما و به وحی ما و دستور ما به ساختن کشتی پرداز، تا آنگاه که فرمان (طوفان از جانب) ما آمد و آب از تنور فوران کرد پس در آن کشتی با خود از هر نو جفتی همراه بر و اهل بیت خود را هم جز آن کس که در علم ازلی ما هلاک او گذشته (یعنی زن و فرزند نا اهلت را) تمام به کشتی بنشان و به شفاعت ستمکاران با من سخن مگو که البته آنها باید غرق شوند.

فَأَفْتَحَ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجَّيْنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۱۱۸) فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ (۱۱۹) (الشعراء): پروردگارا، پس بین من و آن‌ها حکم فرما و به ما گشایشی عطا کن و مؤمنانی که با من همراهند از شر قوم نجات ده. ما هم او را با همه‌ی آنان که در آن کشتی انبوه در آمدند به ساحل سلامت رساندیم.

۲-۳-۳. حضرت داوود

یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است که نامش ۱۶ بار در قرآن آمده است و کتاب زبور از اوست، وی با کشتن جالوت به اذن خدا پادشاه شد (نیشابوری، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰). وی وقتی زبور را می‌خواند پرندگان و وحوش دورش را می‌گرفتند و به او گوش می‌دادند (تعالی، ۱۹۶۵: ۵۵-۵۶).

ئهِ سَلِيمَانَ هَشْمَتِ وَهْ ئِهِ اسْمِ ئَهْزَمِ لَهْ نَغِينِ

له‌حنه داودت سهد هه‌زاران ئهنده‌لیب نا پشت سهر

(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۸۴)

ترجمه: ای کسی که همچون سلیمان بزرگی و اسم اعظم بر نگین انگشتر داری. صدای داوودی تو از هزاران عندلیب پیشی گرفت.

این بیت به آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی انبیاء اشاره دارد که در آن در زیبایی صدای حضرت داوود ذکر شده است.

وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ (الأنبياء: ۷۹): و کوه‌ها و مرغان را مسخر داود گرداندیم که با (آهنگ تسبیح و نغمه) او تسبیح می‌کردند و ما این معجزات را پدید آوردیم.

۲-۳-۴. حضرت سلیمان

یکی از انبیای بنی‌اسرائیل و پسر حضرت داوود است. بیش از ۵۰ سال زندگی کرد. وی در حالی که به عصای خود تکیه داده بود وفات یافت. نام سلیمان ۱۷ بار در قرآن ذکر شده است (حریری، ۱۸۰: ۱۳۸۴) و (نیشابوری، ۱۳۸۵: ۴۴۴-۴۴۵).

علاوه بر بیت پیشین شاعر، در این بیت نیز به برتری و تسلط حضرت سلیمان بر انس و جن و حیوانات اشاره دارد که آن را از آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره‌ی نمل اقتباس کرده است:

حکم انس و جن، نگین ئه‌ظه‌م وه سلیمان داید رسل منظم

(ماهیدشتی، ۱۳۷۸: ۱۳۹)

ترجمه: پروردگارا، حکم هدایت و تسلط بر انسان و جن و نگین ارزشمند را به سلیمان دادی.

این ابیات اشاره به آیات ۱۵ تا ۱۷ سوره‌ی نمل دارد.

و لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَ اللَّهُ الَّذِي فَضَّلْنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵) وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶) وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷) (النمل): و سلیمان وارث ملک داوود شد و گفت: ای مردم ما را زبان مرغ آموختند و از هرگونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار است و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان در رکابش گرد آورده شدند.

۲-۳-۵. بلقیس

بلقیس، دختر «ذی‌شرح» پادشاه سرزمین سبأ که بعد از پدرش پادشاه شد. عده‌ای بر این باورند که مادر وی از جن و پدرش انسان است. وی تخت بزرگی داشت که با زمرد و جواهرات آراسته شده بود. بلقیس، به وسیله‌ی سلیمان بن داود به خدا ایمان آورد و با او ازدواج کرد (آبی، ۲۰۰۴: ۶/۲۸۴) و (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۲/۸۹) و (ابشپهی، ۱۹۸۶: ۲/۲۷۱) و (جاحظ، بی‌تا: ۲۶ البغال).

تاج سهر ره‌نگین صه‌بای به‌شارهت به‌رید بلقیس ری وه ئه‌مارت

(ماهیدشتی، ۱۶۳: ۱۳۷۸)

ترجمه: (ای هدهد) تاج سرت زیباست و صبای بشارت هستی و پیک بلقیس که راه به دربار دارد. ۱- ره‌نگین: در کردی یعنی زیبا.

سوبه‌ت که‌ر وه گه‌رده بلقیس که‌فار جو‌او نامه هدهد ئرام بار

(همان: ۱۶۳)

ترجمه: ای کسی که با بلقیس کافر صحبت کردی جواب نامه‌ی هدهد را برایم بیاور. ئه‌رام بار: برایم بیاور.

این ابیات به داستان خبر رساندن هدهد از سرزمین کفر به سلیمان اشاره دارد. در این سرزمین مردم خورشید را می‌پرستیدند و حاکم آن‌ها زنی به نام «بلقیس» بود که سلیمان آنرا به پرستش خدای یگانه فراخواند، در آغاز نپذیرفت ولی پس از شنیدن سخنان و برهان‌های سلیمان به پرستش خداوند روی آورد. آیات ۲۰ تا ۴۴ سوره‌ی نمل به این روایت اشاره کرده است.

۲-۳-۶. حضرت یونس

حضرت یونس یکی از پیامبرانی است که نام وی در قرآن کریم چهار بار آمده‌است. وی بعد از حضرت موسی و هارون(ع) زندگی می‌کرد و مردم را به توحید دعوت می‌کرد. وی در شهر نینوا در اوج بت پرستی به دنیا آمد. او به هدایت مردم پرداخت، ولی مردم نپذیرفتند و او نیز خشمگین شد و از نینوا رفت و سوار بر کشتی شد، ولی نهنگی او را بلعید و در آنجا زندانی شد و پس از تضرع، پروردگار او را نجات داد. (جاد الموالی و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۸۱-۳۸۶).

شاعر در این بیت به حبس شدن یونس در شکم نهنگ اشاره می‌کند:

یا یونس له چه بس به تن ماسی بوی یا گهر اسکندر شاد وه شاهی بوی

(ماهیدشتی، ۱۴۰: ۱۳۷۸)

ترجمه: یا اینکه مثل حضرت یونس در شکم ماهی زندانی باشی. یا همچون اسکندر شاد و مست پادشاهی باشی. ماسی: ماهی

این بیت به آیه ۴۸ سوره قلم و ۸۷ انبیاء اشاره دارد که در آن داستان حضرت یونس آمده است.

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنُّ كَصَاحِبِ الْخُوْتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُوْمٌ (القلم: ۴۸): باز تو برای حکم خدای خود صبر کن و مانند صاحب ماهی (یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد) مباش (که عاقبت پشیمان شد و در ظلمت زندان شکم ماهی افتاد و) به حال اندوه خدا را برای نجات خواند.

وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۷) (الأنبياء): و (یاد آر حال) ذوالنون (یونس) را هنگامی که (از میان قوم خود) غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه و سختی نمی‌افکنیم (تا آنکه به ظلمات دریا و شکم ماهی در شب تار گرفتار شد) آن‌گاه در آن ظلمت‌ها فریاد کرد که خدایی به جز ذات یکتای تو نیست تو از شریک پاک و منزهی و من از ستمکارانم.

۲-۳-۷. حضرت ایوب

حضرت ایوب یکی از پیامبران الهی است که خداوند وی را با مصیبت و سختی و بیماری آزمود که هجده سال طول کشید و وی صبر و شکیبایی پیشه کرد و شیطان به خاطر صبر زیاد او فریاد برآورد و خشمگین شد (صفوری، ۲۰۰۱: ۸۲/۲). نام ایشان در قرآن ۴ بار آمده است.

دلریش، در این ابیات به صبر و شکیبایی زیاد ایوب اشاره می‌کند:

ئه‌ر ئایه‌م مه‌طروده له حور العین بوی یا ایوب صه‌وری زیاد وه‌زین بوی
یا عیسای مه‌ریه‌م گیر یه‌هود بوی صه‌لیب ئاویزان مناره‌ و جود بوی
خالق ئوانه‌ خه‌لق کردی له نور کل متوکل صالح و صبور
ئیمه‌ که‌م تاقت له تراب ساخته له اتفاقات چه‌ره‌ی ویش باخته

(ماهیدشتی، ۱۴۰: ۱۳۷۸)

ترجمه: اگر آدم (به واسطه‌ی ترک اولی) از سوی حورالعین بهشتی طرد شد و یا این که صبر حضرت ایوب بسیار زیاد بود سنگین بود. یا عیسی فرزند مریم در بند یهودیان افتاد و بر صلیب آویزان بود. آفریدگار آنها را از نور آفریده است و همه‌ی توکل کننده بر خدا و نیکوکار و صبورند. ما که از خاک خلق شده‌ایم، بی‌طاقت هستیم و با حوادث و اتفاقات روحیه‌ی خود را از دست داده و آثار شکست در صورت‌مان می‌شود. ۱- بوی: بود. ۲- ئوانه: آن‌ها. ۳- ئیمه: ما. ۴- ویش: خودش.

۲-۳-۸. حضرت ابراهیم(ع)

ابراهیم(ع) از پیامبران اولوالعزم و از قوم بنی اسرائیل بود. وی ۱۷۵ سال عمر کرد و با کمک اسماعیل (ع) کعبه را بنا نهاد (تهامی، ۱۳۸۶: ذیل ابراهیم). داستان حضرت ابراهیم بارها در آیات قرآن ذکر شده و نام ایشان ۶۹ بار در ۲۵ سوره آمده است و یک سوره (چهاردهمین سوره) قرآن به نام ایشان است (محمدی اشتهاردی، ۸۳: ۱۳۷۹). دلریش، در اشعار خویش بارها به زندگی و سیره‌ی حضرت ابراهیم و مبارزه‌اش با نمرد اشاره و حالت و وضعیت خود را به حالت حضرت ابراهیم در آتش برافروخته‌ی نمرد تشبیه کرده است:

خلیل وار وه‌ نار شوله‌ی مه‌نجه‌نیق بی مه‌دد کارم په‌ی اطفای حه‌ریق

(ماهیدشتی، ۸۶: ۱۳۷۸)

ترجمه: همچون حضرت ابراهیم در میان شعله آتش و منجنیق هستم و بدون یار و حامی برای خاموش کردن آتشم.

در جای دیگر به گستردگی و شعله ور بودن آتشی که حضرت ابراهیم در آن افکنده شد اشاره کرده است:

چوی نار نه‌مرود پهی خلیل الله شوله‌ی له ههر سو مه‌یه‌ی ته‌جه‌لا
(همان: ۶۴)

ترجمه: همچون آتش نمرود برای حضرت ابراهیم است که شعله‌اش در هر جا نورافشانی می‌کند و فروزان می‌شود. چوی: همچون.

هه‌فتا و دو مله‌ت کلی که‌ی نابود مه‌ردم وادار که‌ی وه دین نه‌مرود
(همان: ۶۶)

ترجمه: آن آتش هفتاد و دو ملت را نابود می‌کند و مردم را به پذیرش دین نمرود مجبور می‌کند.

ابیات فوق به داستان آتش نمرود که در آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی انبیاء آمده است اشاره دارد.

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (الأنبياء: ۶۸): قوم گفتند ابراهیم را بسوزانید و خدایان را یاری کنید اگر (بر رضای خداوند) کاری خواهید کرد.
شاعر، ممدوحش (امام خمینی ره) را به ابراهیم که به شکستن بت‌ها پرداخت، تشبیه کرده است:

ئه‌ی ابراهیم صفه‌تم شکانی بت‌ناده‌ری ئاده‌ری کیه له‌لای ئه‌ولای ئه‌دنانم امام
(ماهیدشتی، ۱۹۱: ۱۳۷۸)

ترجمه: ای کسی که همچون حضرت ابراهیم بت‌آذر را شکستی. آذر در مقابل اولاد عدنان (یعنی امام) کیست؟

۲-۳-۹. حضرت موسی(ع)

حضرت موسی(ع) فرزند عمران بزرگ‌ترین پیامبر بنی‌اسرائیل است. ایشان در وادی طور به رسالت مبعوث گردید و به مصر وارد شد و به مبارزه با فرعون پرداخت (حریری، ۳۵۷: ۱۳۸۴). نام حضرت موسی در قرآن ۱۳۶ بار ذکر شده است (ابوخلیل، بی‌تا: ۷۳). شاعر، در

این بیت به داستان چگونگی مبعوث شدن حضرت موسی و اتفاقاتی که در راه رسیدن به مصر برای وی پیش آمد اشاره دارد:

دلّم چوی موسی له مصر تا وادیه ته منّا بزّان له کو بووی له شووند تا وه کو هات

(ماهیدشتی، ۱۱: ۱۳۷۸)

ترجمه: دلّم همچون حضرت موسی از مصر تا وادی تمناً در حرکت است. ببین کجا بود و تا کجا به دنبال تو آمد؟

در اینجا دلریش حتی در معانی تغزلی خود نیز به حضرت موسی شیوه زندگی و وضعیت ایشان نظر دارد و از آن الهام می‌گیرد و تأثیر می‌پذیرد. در جای دیگر وی به داستان سخن گفتن حضرت موسی با پروردگار و دیدن نور الهی اشاره دارد:

هساره‌ی سهیل شه‌فه‌ق زهوران ته‌جلی ئه‌نور نویره کویه طوران

(همان: ۶۴)

ترجمه: ستاره سهیل به هنگام سپیدی بامداد، همچون تجلی نور الهی بر کوه طور است. ۱-هساره: ستاره ۲-شه‌فه‌ق: در زبان کردی به معنای سفیدی بامداد است. ۳-کویه: کوه

۲-۳-۱۰. حضرت یعقوب (ع)

یعقوب فرزند اسحق بن ابراهیم در کنعان زندگی می‌کرد و پس از پدر و جدش به پیامبری مبعوث شد. پس از مرگ جسدش را از مصر به فلسطین منتقل و دفن کردند. نام وی در قرآن ۱۶ بار ذکر شده است (مغلوث، ۱۳۳: ۱۴۲۶).

دلریش، در این ابیات به بی‌قراری یعقوب برای هجران و دوری از یوسف اشاره می‌کند:

پایان به‌خشه هجره کلبه‌ی احزانی وه حال یعقوب کنعانی زانی

دویر له وه‌طنان پرسن ه‌والد قه‌میس یوسف ها له جه‌والد

(ماهیدشتی، ۱۶۷: ۱۳۷۸)

ترجمه: تو پایان‌دهنده‌ی دوری کلبه‌ی اندوه‌ها هستی و حال و روز یعقوب کنعانی را می‌دانی. کسانی که دور از وطن هستند احوالت را می‌پرسند، پیراهن یوسف در جوال توست؟ زانی: می‌دانی

در این جا در یک مضمونی تغزلی نور دیدگان خود را در گرو دیدن یارش می‌داند، همان‌طور که یعقوب با دیدن یوسف نور چشمانش را بازیافت:

وینه‌ی دو دیده‌ی یعقوب له بو قه‌میسه یوسف
ساقه‌و بی دیدگانم تا گهر له زلفد بو هات

(همان: ۱۱)

تا از زلف تو بویی رسید، چشمانم مانند دیدگان یعقوب از پیراهن یوسف، شفا یافتند.
۱-وینه: همچون، همانند. ۲-ساقه، ساق: سالم، تندرست. ۳- بو هات: بو آمد

۲-۳-۱۱. حضرت یوسف (ع)

یوسف (ع) پسر حضرت یعقوب از راحیل و برادر تنی بنیامین بود. یعقوب (ع) دوازده پسر داشت که از آن میان یوسف از همه نیک‌روتر و نیکوسیرت‌تر بود. قرآن مجید داستان یوسف (ع) را احسن القصص (یوسف: ۳) خوانده و با تفصیل تمام در دوازدهمین سوره بیان داشته است (یا حقی، ۱۳۶۹: ذیل یوسف).

شاعر، در این بیت به داستان در چاه افتادن حضرت یوسف اشاره دارد:

ه‌ضرهت یوسف له چال دراری سه‌لطنه مصر وه پیش مه‌سپاری

(ماهیدشتی، ۸۳: ۱۳۷۸)

ترجمه: حضرت یوسف را از چاه بیرون می‌آوری و حکومت مصر را به او می‌دهی.
دراری: بیرون بیاوری.

۲-۳-۱۲. حضرت عیسی (ع)

عیسی بن مریم، در بیت لحم و در زمان هیرودیوس پادشاه روم به دنیا آمد و آخرین پیامبر بنی‌اسرائیل به شمار می‌رود. وی به هدایت بنی‌اسرائیل پرداخت، ولی بر او شوریدند و او را به صلیب کشیدند از معجزات او شفا دادن کور، زنده کردن مرده و سخن گفتن وی در نوزادی است، نامش ۲۵ بار در قرآن ذکر شده است (المغلوث، ۱۸۴: ۱۴۲۶).

دلریش، در این بیت به داستان دشمنی یهود با حضرت عیسی (ع) اشاره می‌کند و به صلیب کشیدن وی توسط یهودیان را به تصویر می‌کشد:

یا عیسای مریم، گیره یهود بوی سه‌لیب‌ثاویزان مه‌ناره‌ی وجود بوی



(ماهیدشتی، ۱۴۰: ۱۳۷۸)

ترجمه: سرگذشت پیامبران چنین است، عیسی فرزند مریم اسیر یهودیان شد و با صلیب به دار آویخته شد.

۲-۳-۱۳. حضرت محمد(ص)

حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب در هفدهم ربیع‌الاول سال ۵۳ قبل از هجرت در شهر مکه به دنیا آمد (ابن‌هشام، ۱۳۷۳: ۵۴۰). نام مقدس محمد در قرآن چهار بار در سوره‌های آل عمران آیه ۱۳۶، احزاب آیه ۴۰، محمد آیه ۲ و فتح آیه ۲۹ ذکر شده است (طیبی و اسفندیارپور، ۳۶: ۱۳۹۲). در شب معراج پیامبر مسافت میان مسجدالحرام تا مسجدالأقصی را با سیر کردن در آسمان پیمودند (الحسنی الندوی، ۱۴۰۵: ۹۸)

شاعر، در اشعار خویش به ستایش حضرت محمد می‌پردازد و معجزات ایشان را بیان می‌کند. وی در این بیت به لیلۃ المعراج و آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره‌ی نجم اشاره می‌کند:

ئه‌را وه نه‌بی و لیلۃ المعراج ویت برهس وه داد مه‌ریضه محتاج

(ماهیدشتی، ۱۴۸: ۱۳۷۸)

ترجمه: (این شعر من) برای نبی «حضرت محمد(ص)» و شب معراج ایشان است، خودت به داد این بیمار نیازمند برس.

۲-۳-۱۴. ابرهه

ابرهة الأشرم، کسی است که برای ویران کردن کعبه به مکه حمله برد، ولی خداوند با پرندگان ابابیل لشکر او را نابود کرد و او شکست خورده به یمن بازگشت و بیماری او را از پای در آورد. در این زمان پیامبر اکرم به دنیا آمد (قیروانی، بی‌تا: ۱۸۹) و (دینوری، بی‌تا: ۱۴۴) و (صفوری، ۲۰۰۱: ۲/ ۶۱).

طه‌یر ئه‌بابیل فه‌رمان دای پی جه‌نگ مه‌یان له ده‌شمن ریزه‌ترین سه‌نگ
ئه‌بره فه‌رار فیل سوار گریز خویرد و خاپور بوین وه حکم ئه‌زیز

(ماهیدشتی، ۱۴۳: ۱۳۷۸)

ترجمه: تو به پرندگان ابابیل فرمان جنگ دادی و سنگ‌ریزه‌ها را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. ابرهه فرار کرد و فیل سواران گریختند و با دستور خداوند توانا نابود شدند. مه‌یان: می‌زدند.

داستان شکست و نابودی ابرهه توسط پرندگان ابابیل در آیات ۳ و ۴ سوره فیل آمده است.

وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۳) تَرْمِيهِمْ بِخِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ (۴) (الفیل): و (خداوند) برای هلاک آن‌ها مرغانی گروه‌گروه فرستاد. تا آن سپاه به سنگ‌های سجیل (دوزخی) سنگباران کردند.

نتایج

دلریش، شاعری دیندار و دوستدار قرآن است و در شعرش از قرآن بسیار تأثیر پذیرفته و با آیات قرآنی مضمون‌های شعرش را عمیق و غنی ساخته است. این اثرپذیری به سه گونه در دیوانش بازتاب یافته است. نخست اقتباس از آیات قرآنی که وی در برخی از ابیات یک آیه‌ی کامل و در مواردی نیز بخش اعظم آیه را یا جزئی از آن را اقتباس نموده است و در شعرش به کار برده است.

گونه‌ی دیگر تلمیح و اشاره به آیات قرآن است که شاعر یا با به کارگیری واژگان قرآنی به آیه یا آیات قرآن و موضوعات آن اشاره کرده یا اینکه بدون واژگان قرآنی و با زبان کُردی به آیات قرآنی اشاره کرده و به شرح روایات و داستان‌های مربوط به آن‌ها پرداخته است. همچنین وی در اشعار خویش نام پیامبران الهی و شخصیت‌های قرآنی را ذکر کرده و سرگذشت و حوادثی که برای آن‌ها روی داده را بیان می‌کند، وی در این زمینه نیز در برخی ابیات با آوردن بخشی از آیات قرآنی و در مواردی دیگر بدون آوردن آیات و واژگان قرآنی به شخصیت‌های قرآنی اشاره کرده است.

یادداشت‌ها

۱. آیات قرآن کریم بر اساس ترجمه مرحوم مهدی الهی‌قمشه‌ای انجام گرفته است.

۲. خاقانی نیز در بیتی عبارت لاتقنطوا را به کار برده است:

لاتعجبوا اشارت کرده به مرسلین لاتنقظوا بشارت داده به اتقیاء

(خاقانی، ۵: ۱۳۷۳)

- برای آگاهی بیشتر از این مضمون نک (موسوی و ذوالفقاری، ۱۳: ۱۳۹۲).
۲. در متن لاتنقظوا آمده که حرف «ن» و «ق» با هم عوض شده است که معنای آن با بیت ناهماهنگ است.
۴. البته در متن به جای «قُل»، «مرقل» آمده که به نظر اشتباه چاپی است.
۵. عبارت جنات تجری من تحتها الأنهار بیست و هفت بار و به شکل جنات تجری تحتها الأنهار نیز یک بار در قرآن آمده است (نک نظری، ۱۴۰: ۱۳۸۹).
۶. احتمالاً منظور ایشان «فی جنات تجری من تحتها الأنهار» باشد که در این جا به نظر می‌رسد اشتباه چاپی بوده است.
۷. در این جا شاعر «القی عصای لاتحف» ذکر کرده که به نظر در کاربرد برخی واژگان با اصل آیه تطابق نداشته باشد، زیرا «ی» را به جای «ک» و «تحف» را به جای «تخف» به کار برده است. اصل آیه «القی عصاک لاتخف» است.

منابع

کتاب

قرآن کریم

- ۱- الآبی، أبوسعبد منصور بن الحسین (۲۰۰۴)، **نثر الدر**، تحقیق: خالد عبد الغنی محفوظ، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ۲- الأبشیهی، شهابالدین محمد بن أحمد أبی الفتح (۱۹۸۶)، **المستطرف فی کل فن مستطرف**؛ تحقیق مفید محمد قمیحة، الطبعة الثانية، لبنان: دارالکتب العلمیة.
- ۳- ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۳ش)، **سیرت رسول الله**، ترجمه قاضی ابرقوه، تهران: نشر مرکز.
- ۴- ابوخلیل، شوقی (بدون التأریخ)، **اطلس القرآن**، دمشق: المطبعة الهاشمیة.
- ۵- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۱۵)، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ۶- البیاتی، عبدالوهاب (۱۹۹۰)، **تجربتی الشعریة**، الطبعة الثالثة، بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات و النشر.
- ۷- التفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر (۱۴۰۹)، **المطول**، قم: مکتبة الداوری.
- ۸- تهامی، غلامرضا (۱۳۸۶)، **فرهنگ اعلام تاریخ اسلام**، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۹- الثعالبی، أبی منصور عبدالملک بن محمد بن إسماعیل (۱۹۶۵)، **ثمار القلوب فی المضاف والمنسوب**، تحقیق: محمد أبوالفضل إبراهیم، الطبعة الأولى، القاهرة: دار المعارف.
- ۱۰- الجاحظ، عثمان بن عمرو (بدون التأریخ)، **البغال**، موقع الوراق، کتاب مرقم آلیا غیرموافق للمطبوع.
- ۱۱- _____ (بدون التأریخ)، **الرسائل**، موقع الوراق، کتاب مرقم آلیا غیرموافق للمطبوع.
- ۱۲- جاد الموالی، محمداحمد، محمد ابوالفضل، ابراهیم، علی محمد، البجاوی، السید شحاته (۱۳۸۶)، **قصه های قرآنی**، ترجمه: مصطفی زمانی، چاپ اول، قم: پژواک اندیشه.
- ۱۳- جارم، علی؛ امین، مصطفی (۱۴۱۳)، **البلاغة الواضحة**، قم: سید الشهداء.

- ۱۴- جرجانی، میر سید شریف (۱۹۳۸)، **التعريفات**، الطبعة الأولى، القاهرة: دار المعارف.
- ۱۵- الحسنی الندوی، ابوالحسن علی (۱۴۰۵)، **سيرة خاتم النبیین**، الطبعة التاسعة، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ۱۶- حلبی، علی اصغر (۱۳۷۲)، **تأثیر قرآن و حدیث در ادب پارسی**، تهران: اساطیر.
- ۱۷- خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۷۳)، **دیوان؛ تصحیح: ضیاء‌الدین سجادی**، تهران: زوآر.
- ۱۸- خرمشاهی؛ بهاء‌الدین (۱۳۷۶)، **قرآن پژوهی**، چاپ سوم، تهران: ناهید.
- ۱۹- الدینوری، ابن‌قتیبة (بدون التأریخ)، **المعارف**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آلیا غیرموافق للمطبوع.
- ۲۰- راشد محصل، محمدرضا (۱۳۸۰)، **پرتوهایی از قرآن و حدیث در ادب فارسی**، تهران: آهنگ قلم.
- ۲۱- رسولی محلاتی، هاشم (۱۳۸۷)، **تاریخ انبیاء**، چاپ بیست و یکم، قم: نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۲۲- الصفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام (۲۰۰۱)، **نزهةالمجالس و منتخب النفائس**، تحقیق: عبد الرحیم ماردینی، بیروت، دمشق: دار المحبة، دار آية.
- ۲۳- القزوینی (۱۹۸۲)، **الایضاح فی علومالبلاغة**، الطبعة الأولى، القاهرة: مطبعة محمدعلی صبیح.
- ۲۴- القلقشندی، أحمد بن علی (۱۹۸۷)، **صبح الأعشی فی صناعة الانشاء**، تحقیق یوسف علی طویل، الطبعة الأولى، دمشق: دار الفکر.
- ۲۵- القیروانی، ابن‌رشیق (بدون التأریخ)، **العمدة فی محاسن الشعر و آدابه**، موقع الوراق، الكتاب مرقم آلیا غیرموافق للمطبوع.
- ۲۶- ماهیدشتی، دلریش (۱۳۷۸)، **دیوان دلریش ماهیدشتی**، اشعار گردی، چاپ اول، کرمانشاه: طاق بستان.
- ۲۷- محمدی اشتهااردی، محمد (۱۳۷۹)، **قصه‌های قرآن**، چاپ دوم، تهران: نبوی.
- ۲۸- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵)، **دایرةالمعارف فارسی**، چاپ اول، تهران: فرانکلین.
- ۲۹- المغلوث، سامی عبدالله (۱۴۲۶)، **أطلس تاریخ الأنبياء و الرسل**، الطبعة السادسة، ارباش: مكتبة العکبیان.

- ۳۰- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۴)، *کلیّات خمسه ج ۱*، تصحیح: وحید دستگردی، چاپ اول، تهران: راد.
- ۳۱- نیشابوری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۸۵)، *قصص الأنبياء*، تهران: زرین.
- ۳۲- هاشمی، احمد (۱۳۷۶)، *جواهرالبلاغه فی المعانی و البیان و البديع*، قم: مکتب الأعلام.
- ۳۳- یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹)، *فرهنگ اساطیر*، چاپ اول، تهران: سروش.

مقالات

- ۱- سیفی، طیبیه (۱۳۹۱)، «بینامتنی اشعار عبدالوهاب البیاتی با قرآن کریم» مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال دوم، شماره دوم، (شماره پیاپی ۵)، صص ۷۱-۸۰.
- ۲- طبیبی، سیدمحمد، اسفندیارپور، هوشمند (۱۳۹۲)، «بررسی شخصیت‌های قرآنی در منطق الطیر» فصلنامه مطالعات قرآنی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۲۳-۴۷.
- ۳- موسوی، سیده‌زهرا، ذوالفقاری، محسن (۱۳۹۲)، «نقد و تحلیل شیوه‌های تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در شعر خاقانی» مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال ۱، شماره ۱، صص ۹-۳۲.
- ۴- نظری، علی (۱۳۸۹)، «چشم داشت حافظ به کدام «جنات تجری من تحتها الانهار؟» مجله پژوهش دینی، شماره بیستم، صص ۱۳۹-۱۶۲.

The Quran's Reflection in Poetry of Delrish Mahidshti

Ali Salimi ¹

Moslem Khazaeli ²

Abstract

Abdolah Moradi, with the pseudonym of Delrish Mahidashti, is one of the contemporary Kurdish famous and from Kermanshah, with all of whose poems being in the Kurdish language. Delrish is a religious poet, and the Quran has a high status in his poems. The present study aims to analyze his poems to show how effectively he is influenced by the Quran. Findings of the present study show that Delrish alluded to the Quranic verses in different ways: some of his couplets contain a complete Quranic verse, and others mention some Quranic expressions and or words. By using some Quranic words in his couplets, moreover, he refers to some Quranic contents in the form of an allusion. Without using the Quranic words explicitly in some instances, he translates the Quranic words or expressions into a beautiful Kurdish poetical language. In his poems, fourteen prophets and or Quranic characters have been mentioned, and the poet has focused on their lifestyles and stories in accordance with the Holy Quran.

Keywords: Delrish Mahidashti, contemporary Kurdish poetry, the Holy Quran, adaptation, allusion.

¹. Professor, Razi University of Kermanshah, salim1390@yahoo.com

². Ph.D student, Razi University of Kermanshah, moslem_khezeli@yahoo.com